

مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبائی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲

محمد تقی پیربابایی^۱، جواد رحمانی^۲

چکیده

با توجه به جایگاه مشارکت در مدیریت شهری، توجه به این مفهوم لازم و ضروری است. مدیریت شهری در ایران، رابطه‌ای متقابل و ارگانیک با برنامه‌ریزی شهری ندارد. متأسفانه در کشور ما، اکثر اقدامات مدیریت شهری از بالا و بیرون انجام شده که اکنون نیاز به حرکتی از پایین و درون برای بومی شدن آنهاست. حال با توجه پتانسیل‌ها و همچنین چالش‌های پیشروی مشارکت مردم در ایران و وجود اشخاصی همچون علامه طباطبائی، که در این زمینه اظهار نظر جامع و کاملی دارند، می‌توان از وجود چنین افرادی برای بومی‌سازی مفهوم مشارکت در ایران بهره جست. در این مقاله، سعی گردیده تا مفهوم مشارکت در مدیریت شهری را با نظریات علامه طباطبائی تبیین نمود. به همین منظور، ابتدا به تحلیل و بررسی نقش مشارکت در مدیریت شهری پرداخته‌ایم و در ادامه به تبیین نظریات علامه طباطبائی در مورد مشارکت شهروندان و نقش آنان در حکومت از نظر علامه طباطبائی اشاره کرده‌ایم. سپس نقش حکومت در جامعه اسلامی بیان شده است و به این نتیجه رسیده‌ایم که از دیدگاه علامه طباطبائی، نه تنها شهروندان می‌توانند در مدیریت شهر نقش داشته باشند، بلکه مردم نسبت به مدیریت شهری نیز حق دارند و به‌گونه‌ای وظیفه شرعی و الهی مردم و شهروندان است که در مدیریت شهری نقش داشته باشند. به عبارتی دیگر، اگر مردم به صورت مستمر در مدیریت شهری نقش نداشته باشند وظیفه دینی و شرعی خود را انجام نداده‌اند. **واژگان کلیدی:** مشارکت، مدیریت شهری، اسلامی، علامه طباطبائی، ولایت.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تبیین مفهوم مشارکت در مدیریت شهری اسلامی» می‌باشد که با راهنمایی دکتر محمد تقی پیربابایی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است.

^۱دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران؛ نویسنده مسئول pirbabaei@tabriziau.ac.ir

^۲دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران؛ J.Rahmani@tabriziau.ac.ir

مقدمه

شواهد نشان می‌دهد در حالی که در سال ۱۹۵۰، تقریباً ۲۸ درصد و در حال حاضر، بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند، جهان همچنان با روند روبه‌رشد شهرنشینی روبروست؛ به‌گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰، بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (مرگان، ۱، ۲۰۰۳: ۷). این رشد سریع و بی‌رویه شهرها و انبوه جمعیت شهرنشین جهان، بیش از هر زمان دیگری، نه‌تنها معنای هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن، به‌ویژه در شهرهای بزرگ و مناطق پیرامون آنها را تغییر داده است، بلکه مدیریت شهری را به یکی از پیچیده‌ترین و اصلی‌ترین عرصه‌های روابط حکومت و مردم تبدیل کرده است.

موضوع مشارکت امروزه از موضوعات بسیار پراهمیت در توسعه و تحول روبه‌رشد است. بیان ضرورت‌ها، سیاست‌ها و روش‌های فراهم نمودن موجبات مشارکت مردم در تغییر و تحول جوامع، راهگشایی بسیار اساسی و مؤثر برای کلیه صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و مجریان در ایفای وظایفشان خواهد بود (علفیان، ۱۳۷۸: ۱۸۹). همچنین مشارکت امری دو طرفه است. مشارکت فرایندی است که در آن طرفین قضیه جهت رسیدن به هدفی خاص تشریک مساعی می‌نمایند که باعث تقسیم اقتدار می‌گردد و در واقع، از شروط مشارکت در جامعه، وجود تمایل به تقسیم قدرت تصمیم‌گیری است. در صورتی که در نظام سیاسی و حکوم چنین تمایلی وجود نداشته باشد، میل به مشارکت و زمینه مشارکت وجود نخواهد داشت و مشارکت جنبه شعارگونه به خود می‌گیرد (باور، ۱۳۸۰: ۱۰). سطح بالایی از مشارکت شهروندان در حکومت‌های محلی، نشان‌دهنده هر دو موفقیت دموکراسی و وجود جامعه‌ای دموکراتیک فراگیر است. مشارکت‌های مردمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به جلوگیری از بیگانگی شهروندان کمک می‌کند (Veronica G. Caparas and Agrawal, 2016: 955).

مشارکت در کشور ما پدیده تازه‌ای نیست، اما با رشد شهرنشینی و به‌تبع آن، تغییر الگوی مشارکتی لزوم بازبینی در این مفهوم و ارائه الگوی مناسب با نیازهای امروزی شهروندان احساس می‌گردد. تازه‌ترین زمینه مشارکت، مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهاست (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۱۱ و ۹۳).

بیان مسئله

رابطه شهر و شهروندی دوسویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تأثیر قاطع و امکان‌پذیر دارد. اصلاح ساختار شهری و بهینه‌کردن شهرنشینی به اصلاح و بهینه‌کردن این رابطه نیاز دارد که مدیریت شهری سازماندهی این ارتباط را برعهده دارد و باید همه جوانب موضوع را مدنظر داشته، با دقت بررسی نماید، چراکه برای دستیابی به شهر ایده‌آل راهی طولانی و خطیری پیش‌روی ما نهاده است و تلاش عظیمی می‌طلبد (پولات اوغلو، ۱۳۸۲: ۴۵). مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی است. مشارکت فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه، برای ظهور توانی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه، رشد و تعالی مادی و معنوی آنهاست و به‌همین خاطر، شاید در سال‌های اخیر، همواره در محافل علمی و سیاسی، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان آن را عنصری مهم در رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار دانسته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده، افزایش مشارکت مردم، در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۰).

مشارکت شهروندان می‌تواند تصمیمات را آگاه‌تر و مشروع‌تر سازد. علاوه‌براین، مشارکت‌کنندگان می‌توانند منافع اساسی مانند مهارت‌های کسب، دانش، سرمایه اجتماعی و قدرت به دست آورند (Howell, 2015: 625). مشارکت شهروندان یکی از هسته‌های اصلی دموکراسی است و دموکراسی به معنای افزایش مشارکت شهروندان در امور عمومی است. درواقع، مشارکت شهروندان نقش مهمی در ایجاد جوامع سالم با ایجاد حوزه قدرت بیشتر ایفا می‌کند (Momeni and etc, 2011: 66).

با وجود اهمیت و ضرورت فاکتور مشارکت اجتماعی شهروندان در توسعه شهرها و درحالی‌که یکی از نیازهای اصلی کشورمان در توسعه همه‌جانبه و بسط ایده دموکراسی، توجه به مفهوم مشارکت اجتماعی است (قدیری، ۱۳۹۰: ۵). این مسئله در ایران، سابقه چندانی ندارد، به‌طوری‌که نقش مشارکت مردم در اداره امور شهر بسیار کم‌رنگ و ضعیف است (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۵). نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که میزان و کیفیت مشارکت در کشور در سطح نگران‌کننده‌ای قرار دارد. یافته‌های این تحقیقات به وضوح نشان می‌دهند که میانگین

مشارکت شهروندان در امور مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رقم پایینی را به خود اختصاص می‌دهد (شادی‌طلب و کمالی، ۱۳۸۱: ۲۸). مدیریت شهری در ایران، رابطه‌ای متقابل ارگانیک با برنامه‌ریزی شهری ندارد. حال آنکه این دو باید در پیوند و تأثیرگذاری مداوم از یکدیگر باشند. متأسفانه در کشور ما، مدیریت شهری تحت تأثیر تعیین‌کننده ساختارهای کلان و محیط قرار دارد که حاصل عقب‌ماندگی «شهرگرایی» از «شهرنشینی» و پیشی گرفتن «رشد» از «توسعه» شهری، و عدم تشکیل جامعه مدنی است. اکثر اقدامات مدیریت شهری و قریب به اتفاق برنامه‌ریزی شهری در دهه گذشته، از بالا و از بیرون برای اجتماعات شهری انجام شده که اکنون نیاز به حرکتی از پایین و از درون، برای خودی و بومی شدن آنهاست (صرافی، ۱۳۷۹: ۷۵).

در دوران معاصر، انسان در تلاش برای دست‌یافتن به معنا و مفهوم و هویتی برای زیستن و زیست‌گاه‌های محیط خویشتن است. در شهرهای مسلمان نیز این مسئله به دلیل بحران‌های هویتی و تقابل با مفاهیم مدرن و اندیشه‌های وارداتی بسیار جدی‌تر و آشکارتر می‌تواند مشهود باشد. در ایران نیز علی‌رغم بحث‌های مختلفی که درباره هویت اسلامی و اندیشه اسلامی، مخصوصاً در بعد از انقلاب مطرح شده، هنوز مفهوم مدیریت شهری در شهر اسلامی نیاز به بحث و بررسی دقیق‌تری دارد. جایگاه مدیریت شهری اسلامی و اصلاً معنا و مفهوم مدیریت شهری اسلامی به‌طور دقیق و مدون، مشخص نگردیده است. از طرفی، در شهرهای امروز مسلمانان، شاهد تلاش‌های بسیاری در دست یافتن به مفاهیم متناسب با هویت اصیل اسلامی هستیم بنابراین، ضرورت پرداختن به موضوع مدیریت شهری و مدیریتی قابل‌درک است. درک و فهم مفاهیم مدیریت شهری از منظر تفکر اسلامی به مدیران شهری کمک می‌نماید تا تصمیمات اتخاذی آنان در حیطه مباحث شهری و پرداختن آنها به مسائل و مشکلات شهری این حیطه را نیز شامل شود. امروزه، هم برگشت به خویشتن و بهره‌گیری و احیای ارزش‌هایی اصیل اسلامی و هم توجه و لحاظ معیارهایی که شهرهای ما را بتواند به مفاهیم انسانی و آسمانی اسلامی نزدیک‌تر سازند واجد اهمیت است (ستاری ساربانقلی و ذبیحی، ۱۳۸۸: ۱۰۷ و ۱۰۸).

یکی از فیلسوفان اسلامی معاصر، علامه طباطبائی می‌باشد که در رابطه با مردم‌سالاری مباحثی را مطرح کرده است. حال با توجه به پتانسیل‌ها و همچنین چالش‌های پیشروی مشارکت مردم در ایران و وجود اشخاصی همچون علامه طباطبائی، که در این زمینه اظهارنظر جامع و کاملی دارند، می‌توان از وجود چنین افرادی برای بومی‌سازی مفهوم مشارکت در ایران بهره جست. در این پژوهش، پس از بررسی امکان سازگاری اندیشه سیاسی علامه طباطبائی با

مشارکت مردم در اداره امور شهری به تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبائی پرداخته خواهد شد.

سؤالات تحقیق

سؤالات مطرح در این مقاله عبارت‌اند:

- ۱- آیا علامه طباطبائی در زمینه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت جامعه و شهر نظری ارائه کرده‌اند؟
- ۲- در صورت ارائه، نظر علامه طباطبائی در مورد میزان و نحوه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت شهر و جامعه چیست؟
- ۳- آیا نظر علامه طباطبائی و دیدگاه رایج مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، را می‌توان ترکیب کرد تا در شرایط موجود کشور قابل بهره‌مندی شود؟

اهداف تحقیق

هدف کلی از این تحقیق بررسی و تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبائی است.

اهداف جزئی

- ۱- تحلیل و بررسی نقش مشارکت در مدیریت شهری مناسب و حکمرانی خوب شهری
- ۲- تبیین نظریات علامه طباطبائی در مورد مشارکت شهروندان و مردم در اداره جامعه و نقش آنان در حکومت
- ۳- ارائه دیدگاه علامه طباطبائی در رابطه با مشارکت شهروندان در اداره جامعه.

چارچوب مفهومی

برای رسیدن به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سؤالات تحقیق، که درباره مفهوم مشارکت در مدیریت شهری می‌باشد، الزاماً شناختی از مفاهیم مدیریت شهری و همچنین مشارکت مورد نیاز می‌باشد.

مفهوم مدیریت شهری

مدیریت شهری علاوه بر آنکه باید حافظ منافع شهرها باشد، باید برنامه‌هایی را تدارک ببیند و تحقق بخشد که نتیجه آن به ارتقای سطح فرهنگ عمومی، حفظ ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مثبت، اعتدال در زیست سالم مردم، رفاه عمومی و اجتماعی، سلامت جامعه، زمینه‌سازی و مشارکت در حل مشکلات مسکن، بیکاری، جرم و جنایت، اعتیاد، تفریح، تحصیل، رفت و آمد و مانند آنها منجر شود (شیعه، ۱۳۸۲: ۵۷). بنابراین، برنامه مدیریت شهری وظایف حکومت‌های محلی شهری را منحصر به امور کالبدی نمی‌داند و وظیفه مدیران شهری را اداره توأم امور کالبدی و اجتماعی شهرها می‌داند و معتقد است که مدیران باید چالش‌های مهم شهرهای امروز را بشناسند و برای غلبه بر آنها سیاست‌ها و اقدامات مناسبی را دنبال کنند (مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۹: ۵۴).

مدیریت شهری با به‌وجود آوردن شبکه رسمی ارتباطات بین شهروندان و مدیریت شهری به منظور مشارکت در امور شهری و برنامه‌ریزی، در رابطه با آموزش شهروندی، باعث می‌شود که شهر از سرمایه اجتماعی برخوردار شود. مدیریت شهری در به‌وجود آمدن سه اصل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت، که تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی هستند، نقش مهمی دارد. مشارکت نیازمند فضای ساختی غیر متمرکز و دموکراتیک است. هرچه ساختار اداری و اجرایی غیر متمرکز و انتخابی‌تر باشد، بدنه آن برای تأثیرپذیری از جامعه و برانگیختن مشارکت مساعدتر می‌گردد. همچنین ساختارها و چارچوب‌های قانونی، نقش اساسی در گسترش مشارکت ایفا می‌کند (یغفوری و رفیعیان، ۱۳۹۴: ۸۴).

هدف سیستم مدیریت شهری، به مثابه جزئی از سیستم حکومتی، اداره امور شهرهاست. نقشی که دولت برای این سیستم قائل می‌شود، تعریف این هدف را روشن می‌سازد. تردیدی نیست که این تعریف، هرچه باشد، هدف سیستم مدیریت شهری در جهت اهداف ملی بوده و با آن هم‌سوست و از کلیات تبعیت می‌کند (داداش‌پور، ۱۳۸۰: ۸۶). شالوده مدیریت شهری عبارت است از برعهده گرفتن نقش فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۳۱).

مشارکت شهروندان را مسئولیت‌پذیر بار آورده و به فرایندهای تصمیم‌گیری مشروعیت می‌بخشد؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان باعث می‌شود مسئولان امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی نمایند (برون و هاریس ۱، ۲۰۰۵: ۹۷).

مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری

واژه مشارکت^۱ از حیث لغوی، به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد. در مورد و معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است، ولی در مجموع، می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (موسوی، ۱۳۷۵: ۸۵). شهروندی ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد. در قرن شانزدهم، که همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است، این موضوع یکی از فرایندهای جامعه مدرن است و در عرف جامعه‌شناسی، دارای مرزهای تعریفی خاص و عموماً برخاسته از نگرش عقلانی نسبت به قانون و حقوق افراد در جامعه است (عباسی، ۱۳۸۷: ۴۵۷).

در تعریفی نسبتاً جامع، مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند، تعریف شده است (طوسی، ۱۳۷۰: ۴۳). در این تعریف، سه جز مهم درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت‌پذیری وجود دارد که درک عمیق آن، مستلزم پرداختن اجمالی به این سه جز است:

- درگیری ذهنی و عاطفی: مشارکت تنها به تلاش‌های بدنی محدود نیست بلکه در آن، خود شخص نیز به لحاظ روان‌شناختی درگیر است.

- انگیزش برای یاری دادن: در مشارکت، شخص فرصت می‌یابد که از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده نماید.

- پذیرش مسئولیت: مشارکت شخص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود، مسئولیت‌پذیر باشد. مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی و مسئولیت بدهد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۳۱).

جیمز گلس مشارکت اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند «مشارکت شهروندان عبارت است از فراهم ساختن فرصت‌هایی برای شهروندان برای شرکت کردن در تصمیمات دولتی یا

فرایندهای برنامه‌ریزی» (Glass, 1979: 180). اوکلی^۱ برای تعریف مشارکت، به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می‌پردازد که عبارت‌اند از: مشارکت به عنوان سهم داشتن، مشارکت به عنوان سازماندهی؛ مشارکت به عنوان توانمندسازی (سلیمی، ۱۳۸۹: ۵۹). به عبارت دیگر، اوکلی و مارسدن از مشارکت اجتماعی سه تفسیر ارائه داده‌اند: ۱- شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی؛ ۲- برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان شهروندان و ۳- دخالت در فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرا و سهیم شدن عامه مردم در منافع. تفاسیر مطرح شده توسط اوکلی و مارسدن را از لحاظ اهمیت دادن به مردم و حقوق آنان، می‌توان در سه سطح (مشارکت پایین) تفسیر اول، (مشارکت متوسط) تفسیر دوم و (مشارکت بالا) تفسیر سوم بیان نمود (رضا دوست و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

برخی از صاحب‌نظران، در تعریف و تبیین فضای مفهومی مشارکت، به ویژگی‌های اساسی این مفهوم تأکید نموده‌اند. همچنان که موریس اکسلراد بیان داشته است، اصطلاح مشارکت داوطلبانه برای گروه‌های خاصی به کار می‌رود (همان‌گونه که از مجامع دولتی متمایز می‌شود)، ورود به آنها بر پایه انتخاب افراد قرار دارد (همان‌گونه که از شکل‌هایی مانند خانواده متمایز است) و نیز به مشارکت‌های گروهی غیرسودآور محدود می‌شود (وحید و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). در مورد مشارکت، دو نوع رهیافت کلی وجود دارد؛ در یک سنت کلی نظری، مشارکت در سازمان‌های اجتماعی یا سیاسی صرفاً وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر (معمولاً علائق جزئی، فردی) در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنی که هدف اصلی دستیابی به فایده‌های اقتصادی یا کسب منزلت بالاتر اجتماعی- اقتصادی یا قدرت (در معنایی ابزارگرایانه) است. در این سنت نظری، به‌طور کلی، «امر اقتصادی» تقدم دارد. انسان به دنبال حداکثر ساختن فایده‌های مادی و کم کردن زحمات و صدمات است و فعالیت اجتماعی یا سیاسی وسیله‌ای برای تأمین نیازها و دستیابی به بهره‌مندی و رفاه بیشتر مادی است. سنت فکری دوم، دربرگیرنده نظریه‌هایی است که به اصالت عمل اجتماعی و اهمیت امر سیاسی اعتقاد دارند. در این نظریه‌ها، مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی فی‌نفسه هدف محسوب می‌شود و از طریق آن توانایی‌ها و خلاقیت‌های انسان، به عنوان موجودی عقلانی و ارتباط‌جو، فعلیت می‌یابد. در این نظریه‌ها مشارکت در سیاست و در فعالیت سازمان‌های اجتماعی و وظیفه شهروند فعال است و نه صرفاً وسیله‌ای برای تأمین نیازها و منافع شخصی یا کسب فایده. فعالیت اجتماعی و سیاسی فی‌نفسه فضیلت است و متمایزکننده حیات انسانی از دیگر اشکال حیات (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴).

مشارکت عمومی فرایندی مؤثر است که از طریق آن، مردم، اشخاص یا گروههای سازمان‌یافته می‌توانند به تبادل اطلاعات، بیان عقیده و ارائه نظر بپردازند و از توانایی لازم برای تصمیم‌سازی برخوردار شوند (Finger, 2002: 101). برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب یا استفاده صحیح از منابع، فرصت‌ها و توزیع عادلانه امکانات، مشارکت مردم راه‌کار اصلی و محوری به‌شمار می‌رود (Chakarbarty, 2001: 23).

با توجه به موارد مطرح‌شده مشخص گردید که جایگاه مشارکت مردم در بحث مدیریت شهری در دنیای غرب، شرط لازم برای توسعه می‌باشد. در این تحقیق سعی گردیده است که جایگاه مشارکت در مدیریت شهری از نگاه علامه طباطبائی بازخوانی گردد.

روش تحقیق

این تحقیق مربوط به مشارکت در مدیریت شهری از نگاه علامه طباطبائی است. پس از ابتدا، به تحلیل و بررسی نظریات علامه طباطبائی در مورد مفهوم مشارکت پرداخته خواهد شد، پس تحقیق به صورت توصیفی خواهد بود. از طرفی دیگر، با استفاده از استدلال منطقی به نتیجه‌گیری از آرای ایشان پرداخته خواهد شد. در نهایت، روش تحقیق به صورت تلفیقی یعنی توصیفی و استدلالی خواهد بود. در ابتدا در پاسخ به سؤال اول تحقیق، بررسی سازگاری اندیشه علامه در رابطه با مشارکت و بحث حکومت اسلامی آمده است. در بخش بعد نحوه مشارکت مردم در اداره جامعه از دیدگاه علامه طباطبائی نیز به سؤال دوم تحقیق پاسخ داده شده است. در انتها و در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری سعی شده تا به سؤال سوم پاسخ داده شود.

یافته‌های تحقیق

پس از بیان مفاهیم مشارکت شهروندان و مدیریت شهری در پاسخگویی به سؤالات تحقیق ابتدا به بررسی آرا و نظرات علامه طباطبائی در ارتباط با بحث مشارکت مردم و شهروندان در ارتباط با امور جامعه پرداخته شده است. سپس در ادامه و مشخص شدن سازگاری اندیشه علامه طباطبائی با میزان و نحوه مشارکت مردم و شهروندان در امور جامعه و شهر بررسی شده است.

بررسی سازگاری اندیشه سیاسی علامه طباطبائی در رابطه با مشارکت مردمی

در ابتدا، به این نکته اشاره می‌گردد که اداره امور جامعه (شهر) توسط حکومت (مدیریت شهر) باید دارای شرایطی باشد تا بتوان گفت که با مبانی اسلامی سازگاری دارد. لازم به ذکر است که

به ضرورت وجود حکومت در بُعد جامعه اسلامی و مدیریت شهر در بُعد شهر از نگاه علامه طباطبائی اشاره می‌شود. علامه طباطبائی قبل از نحوه اداره امور جامعه به ضرورت وجود حکومت در جامعه و شهر اشاره می‌کند. ایشان بیان می‌کنند که بحث ضرورت حکومت برای اجرای صحیح و کامل قوانین اولیه و قوانین جزایی امری مسلم است. «مجرد داشتن یک سلسله رسوم و مقررات در بقای جامعه کافی نیست» (طباطبائی بی تا (ب)، ج ۶، ۳۱۶) و اجتماع را به هدف و کمال نمی‌رساند؛ بلکه قوانین باید اجرا شوند و اجرای قوانین هم مجری و ناظر می‌طلبد که همان حکومت است. علامه طباطبائی بیان می‌کنند که در تاریخ هیچگاه اجتماعی دیده نشده، مگر اینکه حکومتی در آن وجود داشته است. همچنین ایشان تأکید می‌کنند که جامعه ممکن است که با حکومت ظالم باقی بماند؛ ولی بدون حکومت، دوام نمی‌آورد.

از نظر علامه، اجتماع نمی‌تواند باقی باشد، مگر اینکه بر آن، قوانینی برآمده از درونش حاکم باشند. اعمال افراد یک اجتماع ممکن است باعث هلاکت و یا رشد کل اجتماع شود. به همین دلیل، باید یک سری قوانین بر اعمال افراد نظارت کنند. این قوانین از فطرت انسانی برمی‌خیزند، زیرا خود اجتماع هم امری فطری است. فطرت انسانی است که در پی تکامل اجتماع است؛ پس تنها مرجع صالح برای قانون‌گذاری در اجتماع، خود فطرت است. اگر قوانین با فطرت ناسازگار باشد، پشتوانه اجرایی نخواهند داشت و باقی نخواهد ماند. اگر اجتماع مانع کمال افراد شود، در واقع تیشه به ریشه خود زده است.

اندیشه علامه طباطبائی اندیشه منسجم فلسفی است که در چارچوب نظریه ادراکات اعتباری با تعدیل و تحدید قریحه استخدام، به زندگی اجتماعی می‌رسد. این اجتماع تعاونی مبتنی بر یک قرار داد ضمنی و عملی است که عدالت اجتماعی، همانندی انسان‌ها در بهره‌مندی متقابل از یکدیگر، پذیرفتن محدودیت‌های متقابل، یکسان بودن افراد در برابر قوانین اجتماعی و نیز مصلحت همگانی اساس آن را تشکیل می‌دهد. با تحلیل نظری و فلسفی می‌توان به این نکته دست یافت که آثار و نتایج این اجتماع مدنی و همیاری منتج از نقش و سهم متقابل افراد به همه آنها تعلق دارد. از جمله این آثار و نتایج، قدرت سیاسی برآمده از اجتماع است که تک تک افراد با پذیرفتن قرارداد عملی اجتماعی و به وجود آوردن اجتماع، در آن سهم هستند. بنابراین، قدرت سیاسی یا ملوک، از آن همه افراد اجتماع است و امری اجتماعی است (یزدانی مقدم، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

در ادامه مشخص می‌گردد که علامه طباطبائی در اداره امور جامعه و شهر جایگاه ویژه‌ای برای مردم و شهروندان قائل بوده است. به صورتی که به وضوح درباره مردم در اداره امور جامعه و شهر بحث می‌کند و بیان می‌کند که این امر باید با دخالت دادن مردم و شهروندان اتفاق بیفتد. ایشان در جلد چهارم تفسیرالمیزان، بیان می‌نماید که در اسلام، امور عامه به حاکم و متصدی حکومت سپرده شده است تا در موارد داخلی و خارجی جامعه با مراعات صلاح جامعه و بعد از مشورت با مسلمانان، در مورد آنان تصمیم‌گیری بنماید (طباطبائی بی تا (ب)، ج ۴، ۱۲۱-۱۲۰). در هر حال، امر حکومت اسلامی پس از پیامبر (ص) و در زمان غیبت امام معصوم (ع) - مانند زمان کنونی - بلاشکال به مسلمانان واگذار شده است و از قرآن استفاده می‌شود که: ۱- بر مسلمانان است تا حاکم را براساس سیره پیامبر انتخاب کنند و سیره پیامبر سیره امامت بود، نه پادشاهی و استبداد؛ ۲- حاکم در میان مردم به محافظت از احکام رفتار کند؛ ۳- در غیر احکام از حوادث وقت و محل [زمان و مکان]، حاکم با شورا امور جامعه را اداره نماید (طباطبائی بی تا (ب)، ج ۴، ۱۲۵-۱۲۱).

از نظر علامه طباطبائی، حکومتی را که جمع مردم اداره می‌کنند و فرد یا گروه خاص امتیاز ویژه‌ای نسبت به بقیه مردم ندارد، به نحوی که همه مردم در صف واحدی قرار گیرند، حکومت دینی است. همچنین حکومت اسلامی باید مقبولیتی برای تمام مسلمانان را داشته باشد (مظاهری، ۱۳۸۴: ۲۲۹ و ۲۳۰). علامه متعدد اشاره می‌کند که خطابات قرآنی اعم از فردی، عبادی و اجتماعی به صورت عموم است و از آن برمی‌آید که همه آحاد جامعه مخاطب قرآن و آیات‌اند. گروهی از آیات عام، آیات حکومت و اجرای احکام اجتماعی است، لازمه خطاب آن به مردم این است که آنان موظف و مسئول اجرای آن‌اند، پس تشکیل حکومت و حاکم به خود مردم تفویض شده است و در نهایت، حکومت معصوم از آن مستثنا شده است (طباطبائی بی تا (ب)، ج ۴، ۱۲۲). وی با اشاره به مشورت پیامبر اسلام (ص) در جنگ احد با مردم حسب امر خداوند، اظهار می‌کند که خداوند از آن راضی بود (طباطبائی بی تا (ب)، ج ۴، ۵۷-۵۶). علامه قلمرو مشورت را امور داخلی و خارجی مانند جنگ، صلح، امور اقتصادی و غیره ذکر می‌کند (طباطبائی بی تا (ب)، ج ۴، ۱۲۱). مبنای این نظریه آیات شورا هستند که علامه به آنها استشهد می‌کند.

از دیدگاه علامه طباطبائی، مردم مسئول زنده نگه داشتن حکومت، احکام و قوانین ثابت و متغیر شریعت‌اند و این با مشارکت در اداره کشور محقق می‌شود (طباطبائی بی تا (ب)، ج ۴، ۱۲۴)، وی با اشاره به آیات اجتماعی دین و خطابات آنها به عموم مردم، چنین استنباط می‌کند

که دین اسلام دین اجتماعی است که خداوند آن را برعهده تمامی مردم گذاشته است (طباطبایی بی تا (ب)، ج ۴، ۱۲۴-۱۲۳).

نتیجه طبیعی مقدماتی که علامه چیده است، ایده ملوک اجتماعی و واگذاری امر حکومت و قدرت سیاسی به مردم است، به گونه‌ای که مردم، صاحبان حکومت و قدرت سیاسی بود. و از این نظر، با یکدیگر برابرند و هیچ‌یک در این قدرت سیاسی ناشی از اجتماع، سهم اختصاصی ندارند. بر این اساس، این قدرت سیاسی مشترک، مانند دیگر امور اجتماعی، تابعی از مصلحت افراد اجتماع خواهد بود (یزدانی مقدم، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

مشارکت شهروندان در مدیریت شهر، امری اجتناب‌ناپذیر است و مدیر شهر نمی‌تواند بدون مشورت گرفتن از گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ که اصلی‌ترین آنها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرا نماید و حتی خود بر کار خودش نظارت داشته باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۷). علامه طباطبائی ویژگی‌های یک حکومت دینی را در چهار بعد مسلمانان در جامعه اسلامی حاکم را تعیین کنند؛ حاکم احکام دین را محافظت کند، تعیین حاکم براساس سنت امامت است، یعنی حکومت استبدادی و پادشاهی نیست و حاکم در غیر احکام، حکومت را براساس شورا اداره کند (خسروپناه، ۱۳۹۰: ج ۲: ۲۷۰).

از نگاه علامه طباطبائی نه تنها اداره امور شهر به صورت مستقیم ارتباط دارد بلکه انتخاب نظام حکومتی و حاکم یا همان سیستم مدیریت شهری و مدیر شهر باید توسط مردم و شهروندان باشد. ایشان بیان می‌کنند که انتخاب حاکم [و نظام حکومتی] در جامعه اسلامی با مسلمانان است^۱ و وظیفه حاکم و حکومت این است که: ۱. در میان مردم به سیره رسول خدا رفتار کند؛ یعنی استبداد نرزد و حکومت استبدادی نباشد؛ ۲. احکام الهی را پاس دارد و اجرا کند؛ ۳. در امور حکومتی و اداره جامعه، با مشاوره و شور، جامعه را اداره کند؛ ۴. در امور حکومتی و مدیریتی داخلی و خارجی، مصلحت جامعه را رعایت کند (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۵۳).

علامه متعدد اشاره می‌کند که خطابات قرآنی اعم از فردی، عبادی و اجتماعی به صورت عموم است و از آن برمی‌آید که همه احاد جامعه مخاطب قرآن و آیات‌اند. گروهی از آیات عام، آیات

۱ سؤال ۶۹۶: آیا حکومت اسلامی، انتخابی است؟

جواب: راجع به ائمه اطهار - علیهم السلام - انتصابی است، توسط خداوند متعال.

سؤال ۶۹۸: حکومت اسلامی، بعد از ائمه - علیهم السلام - برای دیگران چگونه است؟

جواب: مصلحتی است (رخشاد، ۱۳۸۵: ۴۱۰ و ۴۱۱).

حکومت و اجرای احکام اجتماعی است، لازمه خطاب آن به مردم این است که آنان موظف و مسئول اجرای آن‌اند پس تشکیل حکومت و حاکم به خود مردم تفویض شده است و در نهایت، حکومت معصوم از آن مستثنا شده است: «ویستفاد من الجميع ان الدین صبغه اجتماعیه حمله... علی الناس و لایرضی لعباده الکفر ولم یرد اقامه الامنهم باجمعهم. فالمجتمع المتکون منهم امر الیهم من غیر مزیه فی ذلک لبعضهم ولا اختصاص منهم ببعضهم» (طباطبایی، بی تا، (ب)، ج ۴: ۱۲۲). در مدل حکومت اسلامی، اگر چه ممکن است که قوانین نتیجه شورای مردم باشد، پایه اصلی «حق» است نه خواست اکثریت؛ و این تفاوت اصلی مدل حکومتی اسلامی یا حکومت مردم سالاری دینی با دموکراسی‌های غربی است (بوذری نژاد و مرندی، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

با توجه به اینکه خطابات قرآن کریم در اجرای احکام، متوجه مؤمنان است. پس دین حقیقتی اجتماعی است و پروردگار متعال اجرای احکام دین را از اجتماع مردم می‌خواهد. بنابراین، امر جامعه و اداره آن با مردم است و مردم با موضوع اداره جامعه نسبت و حقوق یکسانی دارند. همچنین جامعه را اجزای تشکیل دهنده آن به وجود آورده‌اند و قدرت اجتماعی و سیاسی ناشی از اجتماع مردم، از آن آنان است؛ زیرا خداوند تأثیر اجزا و آحاد جامعه در پدید آمدن جامعه و قدرت سیاسی ناشی از اجتماع مردم را به‌طور تشریحی نیز لحاظ نموده و این تأثیر طبیعی و تکوینی را از نظر تشریحی، متفی و ضایع نساخته است (یزدانی مقدم، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

با توجه به موارد بیان شده، مشخص می‌گردد که علامه طباطبائی درباره نقش و جایگاه مردم و شهروندان در اداره امور مربوط به جامعه‌ای که در آنجا زندگی می‌کنند به‌طور واضح، اعلام نظر نموده است. ایشان بیان نموده است که نظام حکومت جامعه (مدیریت شهر) باید توسط مردم (شهروندان) تعیین و مشخص گردد. همچنین ایشان در ادامه بیان می‌کند که اداره امور جامعه و شهر بدون توجه به خواسته‌ها و نقش مردم به دور از تعالیم اسلام می‌باشد.

میزان و نحوه مشارکت مردم در اداره جامعه و شهر از دیدگاه علامه طباطبائی

با توجه به مباحث بیان شده، مشخص گردید که از دیدگاه علامه طباطبائی مردم و شهروندان در اداره امور جامعه و شهر دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای هستند. ایشان بیان نموده‌اند که براساس تعالیم اسلامی مردم و شهروندان باید در امور مرتبط با جامعه و شهر خود تأثیر مستقیم داشته باشند. در این بخش، به بررسی نحوه مشارکت مردم و شهروندان در اداره جامعه و شهر خود پرداخته شده است.

علامه طباطبائی بیان می‌کند که مردم مسئول زنده نگه‌داشتن حکومت، احکام و قوانین ثابت و متغیر شریعت‌اند و این امر با مشارکت در اداره کشور محقق می‌شود (طباطبائی، بی‌تا، (ب)، ج ۴: ۱۲۴). ایشان با اشاره به آیات اجتماعی دین و خطابات آنها به عموم مردم، چنین استنباط می‌کند که دین اسلام دین اجتماعی است که خداوند آن را برعهده تمامی مردم گذاشته است.

علامه طباطبائی با اشاره به آیه «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف» (توبه: ۷۱) تأکید می‌کند که مؤمنان نسبت به دیگران دارای حق ولایت و سرپرستی‌اند و آن در تمامی ابعاد اجتماع جاری است (طباطبائی، بی‌تا، (ب)، ج ۹: ۳۳۸). ضمناً ایشان در ادامه می‌فرماید «مردان و زنان باایمان اولیای یکدیگرند» تا منافقین بدانند نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده‌دار می‌شوند؛ و به همین جهت است که هرکدام دیگری را به معروف امر می‌کند و از منکر نهی می‌نماید (طباطبائی، بی‌تا، (ب)، ج ۹: ۴۵۵).

علامه طباطبائی اصطلاحی را «ولایت» در اینجا به کار می‌برد. ولایتی که تا کوچکترین افراد اجتماع راه دارد. ولایتی که براساس آن مؤمنان به خود اجازه می‌دهند مردم و دیگر شهروندان جامعه را امر به معرف و نهی از منکر نمایند. این بدین معنی است که مردم نسبت به جامعه و مردم بی تفاوت نیستند. پس وقتی مردم نقش ولایت را در جامعه و شهر دارند، با توجه به مطالب گذشته، استنباط می‌شود که مردم و شهروندان در امور جامعه و شهر خویش که در آنجا زندگی می‌کنند باید نقش و تأثیر مستقیم داشته باشند. پس هرچه نقش و جایگاه و میزان مشارکت مردم در اداره امور جامعه و شهرشان بیشتر باشد، نوع نظام حکومتی (مدیریت شهری) اسلامی‌تر است.

با توجه به موارد بیان شده، مشخص گردید مؤمنان نمی‌توانند نسبت به آینده جامعه خویش بی تفاوت باشند. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه خویش، درباره آیه ۷۱ سوره توبه بیان می‌کند که مردان و زنان باایمان دوست و ولی و یار و یاور یکدیگرند (و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض). در ادامه اشاره می‌کند به اینکه درباره منافقان کلمه اولیا ذکر نشده است، بلکه جمله «بعضهم من بعض»، که دلیل بر وحدت هدف و هماهنگی صفات و کردار است، به چشم می‌خورد. اشاره به اینکه منافقان هرچند در صف واحدی قرار دارند و گروه‌های مختلفشان در مشخصات و برنامه‌ها شریک‌اند، روح مودت و ولایت در میان آنها وجود ندارد و هرگاه منافع شخصی آنان به خطر بیفتد، حتی به دوستان خود خیانت خواهند کرد، به همین

دلیل در آیه ۱۴ سوره حشر می‌خوانیم: «تحسبهم جميعا و قلوبهم شتى» آنها را متحد فکر می‌کنی در حالی که دل‌هایشان پراکنده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۳۷). آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، درباره معنی ولایت در این آیه بیان می‌کند که همه در برابر یکدیگر متعهد و مسئول هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۳۱۰). از دو تفسیر بیان شده نیز مشخص می‌گردد مؤمنان در واقع یکی و واحد تلقی می‌شوند و برای اینکه بتوان یک جمع را امر واحد تلقی کرد این است نظرات همه بیان شود و همه بتوانند جامعه را به سوی خوبی هدایت کرده و از اشتباه دور بکنند. آیت الله قرائتی در کتاب تفسیر نور، درباره این آیه بیان می‌کند که زن و مرد هر دو در اصلاح جامعه تأثیرگذار هستند؛ مؤمنان در جامعه اسلامی، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۶۳).

آیت الله مجتبی تهرانی درباره این آیه می‌فرماید: هر مؤمنی نسبت به مؤمن دیگر، اعم از مرد و زن، سمت سرپرستی پیدا می‌کند. ولی هم به معنی سرپرست است و هم به معنای دوست. دوستی باعث جعل ولایت است. مقتضای این دوستی نظارت و مراقبت است (مجتهدی تهرانی، ۱۳۸۷: ۶۲). وی در ادامه بیان می‌کند: مؤمنان، برخلاف منافقین، نسبت به یکدیگر کاملاً حالت مراقبت و دلسوزی دارند. اگر یکی از آنان مشاهده کرد که برادر یا خواهر مؤمنش دچار لغزش شده است، بی تفاوت نمی‌نشیند، همان‌گونه که پدر از لغزش و خطای فرزندش رنجور می‌شود (مجتهدی تهرانی، ۱۳۸۷: ۶۳). درنهایت، نیز او اشاره می‌کند که مؤمن نه تنها به احکام فردی ملتزم است که در امور اجتماعی، سیاسی، حکومتی نیز موظف به مشارکت و تکالیفی است که باید بدان‌ها پایبند باشد (مجتهدی تهرانی، ۱۳۸۷: ۶۴).

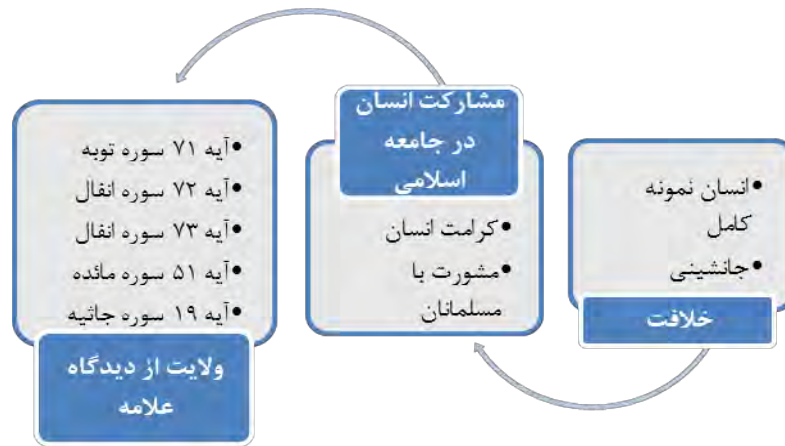
همچنین در نگرش علامه طباطبائی، پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) از جهت هدایت و دعوت و تربیت برای حکومت متعین‌اند و این تعیین به معنای نفی حق حکومت و مشارکت و نظارت مردم نمی‌باشد؛ چنان‌که سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) حاکی از آن است. تحلیل فلسفی علامه طباطبائی از اجتماع و حکومت، نشان می‌دهد که مبانی فلسفی و نظری مردم‌سالاری - که عبارت‌اند از: مردم صاحبان حکومت هستند؛ حق حکومت از آن مردم است؛ اداره جامعه باید با نظر مردم صورت گیرد؛ مردم در حق حکومت و اظهار نظر یکسان‌اند و حق نظارت بر اداره جامعه را دارند - در تحلیل فلسفی ایشان وجود دارد (یزدانی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

همان‌طور که بیان شد، علامه طباطبائی ولایت بین مؤمنان را حق می‌داند که پیروی از حق موجب گسترش عدالت الهی خواهد شد. یعنی اصل ولایت که بین مؤمنان وجود دارد مبانی

شرکت مردم و شهروندان در امور جامعه و شهر خویش می‌باشد. اصلی که متناظر با مفهوم امر به معروف و نهی از منکر نیز واقع می‌شود. بدین صورت، مطالب بیان‌شده مشخص می‌نماید که مشارکت مردم در اداره امور مرتبط با جامعه و شهر در حدی قوی و ضروری است که مردم نمی‌توانند و نباید نسبت به تصمیمات و اتفاقاتی که در محل زندگی خود شاهد آن می‌باشند، بی‌تفاوت باشند. در ادامه، می‌توان بیان کرد که مردم و شهروندان نه تنها نسبت به مدیران شهری بلکه نسبت به سایر شهروندان نیز باید مسئول باشند. بدین معنی که هر موردی در جامعه که زندگی مردم و شهروندان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد باید با نظر و جلب رضایت شهروندان و مردم باشد. جلب رضایت مردم و شهروندان هم باید توسط مدیران شهری (حکومت‌داران) و هم توسط خود مردم و شهروندان اتفاق بیفتد.

همچنین در بحث از احکام جزئی متعلق به حوادث جاری و زودگذر و متغیر، مانند احکام مالی و انتظامی مربوط به دفاع و راه‌های تسهیل ارتباطات و مواصلات و انتظامات شهری و مانند آنها می‌نویسد: «انها به اختیار والی و متصدی «امر» حکومت واگذار شده... پس بر والی امر است که در امور داخلی و خارجی جامعه، [و امور] مربوط به جنگ و صلح و مالی و غیرمالی، صلاح حال جامعه را رعایت کند [و] پس از مشاوره با مسلمانان تصمیم بگیرد» (طباطبایی، بی‌تا، (ب)، ج ۴: ۱۲۱). ضمناً علامه در تفسیر آیه ۱۹ سوره‌ی جاثیه، بیان می‌کند که معنای جمله این است که: خدا ولی و سرپرست کسانی است که پیروی از دین او کنند، و برای این سرپرست ایشان است که متقی هستند و خدا ولی مردم متقی است. کسانی که هواهای جاهلان را پیروی می‌کنند، خدای تعالی ولی آنها نیست، بلکه آنها خودشان ولی یکدیگرند، چون ستمکاران و ستمکاران ولی یکدیگرند. پس تو ای رسول گرامی، دین مرا پیروی کن تا من ولی تو باشم و از اهل آنان پیروی مکن تا آنان ولی تو نشوند، چون ولایت آنان هیچ دردی از تو دوا نمی‌کند و جای ولایت خدا را نمی‌گیرد (طباطبایی بی‌تا (ب)، ج ۱۸، ۲۵۴).

در انتها مشخص گردید مفهوم ولایت، که در قرآن بیان شده است، نه یک امر اختیاری بلکه نوعی حق تلقی می‌گردد. بدین معنی که مردم و شهروندان نباید نسبت به مواردی که در جامعه خویش ملاحظه می‌کنند بی‌تفاوت باشند. این مفهوم هم باید از طرف مسئولین حکومتی (مدیریت شهری) و هم مردم و شهروندان مورد توجه قرار گیرد. زیرا در صورت عدم مشارکت مردم و شهروندان در امور مربوط به جامعه و شهر خود وظیفه دینی و شرعی خود را انجام نخواهند داد و در واقع حق و حقوق مردم و شهروندان پایمال خواهد شد.



نمودار ۱- ولایت شهروندان در جامعه اسلامی

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به تبیین مفهوم مدیریت شهری و نقش مشارکت شهروندی، مشخص گردید مشارکت شهروندی یکی از اصلی ترین ویژگی و بعد مدیریت شهری می باشد؛ به گونه ای که مدیریت شهری بدون مشارکت مردم و شهروندان نمی تواند مردم را به منافع و خواسته هایشان در شهر برساند و قطعاً دچار مشکل خواهد شد. در واقع مدیریت شهری بدون مشارکت شهروندی امری ناشدنی است و مشارکت شهروندان و مردم جز اصلی مدیریت شهری می باشد.

همچنین با توجه به مطالب بیان شده از دیدگاه علامه طباطبایی، حکومت از آن مردم است و مردم حق مشارکت در تصمیم گیری های اجتماعی و رأی برابر و حق نظارت بر حکومت را دارند. از نظر علامه طباطبایی، تحلیل فلسفی یاد شده از سوی قرآن و اسلام نیز تأیید شده است و تنها یک تحلیل عقلی و فلسفی صرف نیست؛ بلکه صریح قرآن کریم و مستنبط از آن نیز می باشد. با در نظر گرفتن دیدگاه مدیریت شهری و نقش شهروندان در مدیریت شهری و همچنین دیدگاه علامه طباطبائی درباره حکومت اسلامی می توان به این نکته پی برد که نه تنها شهروندان می توانند در مدیریت شهر نقش داشته باشند، بلکه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت و حکومت امری اجباری است و حکومت و مدیریتی که مردم در آن نقش نداشته باشند را دیکتاتوری می نامد. با عنایت به موارد ذکر شده می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه علامه طباطبائی، مشارکت شهروندان در مدیریت شهر امری اجتناب ناپذیر است و مدیر شهر

نمی‌تواند بدون مشورت گرفتن از گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ، که اصلی‌ترین آن‌ها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرا نماید و حتی خود بر کار خودش نظارت داشته باشد.

همچنین از دیدگاه علامه طباطبائی نه تنها شهروندان می‌توانند در مدیریت شهر نقش داشته باشند، بلکه مردم نسبت به مدیریت شهری حق هم دارند و به‌گونه‌ای وظیفه شرعی و الهی مردم و شهروندان است که در مدیریت شهری نقش داشته باشند. به عبارتی دیگر، اگر مردم به صورت مستمر در مدیریت شهری نقش نداشته باشند، وظیفه دینی و شرعی خود را انجام نداده‌اند. در واقع حق و وظیفه مردم به شهر و مدیریت شهری خویش همانند امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

منابع

- تقوایی، مسعود و همکاران (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری - مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز»، *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال اول، شماره دوم: ۱۹-۳۶.
- پولات اوغلو، ایکوت (۱۳۸۰)، «حکومت محلی در ترکیه نیازمند اصلاحات»، *ماهنامه شهرداری‌ها*، سال دوم، شماره ۲۴، تهران: ۴۳-۴۶.
- بوذری‌نژاد و مرندی، یحیی و الهه (۱۳۹۴)، «نظریه اعتباریات علامه طباطبائی و نظام حقوق-سیاسی جامعه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۵، شماره ۱: ۱۰۷-۱۲۲.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۷)، *کیش پارسایان*، تحقیق و تنظیم: علی‌اکبر رشاد، انتشارات سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *علامه طباطبائی فیلسوف علوم انسانی-اسلامی*، جلد ۲، انتشارات سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: تهران.
- داداش‌پور، هاشم (۱۳۸۰)، «مدیریت شهری؛ اهداف و راهبردها»، *مجله تدبیر*، شماره ۱۲۰: ۸۶-۸۹.
- رحمانی، جواد و همکاران (۱۳۹۳)، «تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبائی»، *دو فصلنامه اسلام و مدیریت*، سال ۳، شماره ۶: ۱۶۳-۱۸۰.
- رخشاد، محمدحسین (۱۳۸۵)، *در محضر علامه طباطبائی*، سماء قلم: قم.
- رضادوست، کریم و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه شهری شهر ایلام»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم - شماره ۳: ۹۷-۱۱۰.

- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی؛ وسیله یا هدف توسعه»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰: ۵۴-۶۳.
- ستاری ساربانقلی و ذبیحی، حسن و حسین (۱۳۸۸)، «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی»، مجله فراسوی مدیریت، دوره سوم، شماره ۱۰: ۱۰۵-۱۴۶.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور.
- سلیمی، فاطمه (۱۳۸۹)، «مشارکت اجتماعی در مدرسه»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۳: ۵۸-۶۳.
- شادی طلب و کمالی، ژاله و افسانه (۱۳۸۱)، «مشارکت اجتماعی زنان»، مجله پژوهش زنان، شماره ۴: ۲۶-۵۲.
- شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۹۰)، فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲)، «لزوم تحول مدیریت شهری در ایران»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱: ۳۷-۶۲.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، «مفهوم و مبانی مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، تابستان، شماره ۲: ۶۸-۸۱.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۱)، مجموعه مقالات و پرسشها و پاسخها، به کوشش و مقدمه سید هادی خسروشاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا - الف)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۲، مقدمه و پاورقی به قلم استاد شهید مرتضی مطهری: قم، انتشارات صدرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا - ب)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جامعه المدرسین فی الحوزة العلمية فی القم المقدسه.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، مشارکت در مدیریت و حاکمیت، جلد اول، تهران: مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۸)، تفسیر نور، جلد اول، انتشارات مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ دوم.
- قدیری، لقمان (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

- عباسی، رقیه (۱۳۸۷)، «بررسی فرایند مشارکت شهروندان در اداره شهرهای ایرانی»، اولین همایش سراسری علمی و دانشجویی جغرافیا، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- علفیان، مسعود (۱۳۷۸)، «مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری»، اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، تبریز.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)*، جلد دوم، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۱۳۷۱)، به کوشش و مقدمه سید هادی خسروشاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۳)، «جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان»، *فصلنامه مدیریت فردا*، سال دوم، شماره ۷ و ۸: ۸۳-۹۰.
- مرکز مطالعات برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، «بررسی موردی وظایف و اختیارات شهرداری‌ها»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره دوم: ۵۲-۶۷.
- مظاهری، محمد مهدی (۱۳۸۴)، «انسان، جامعه و حکومت اسلامی در نگاه علامه طباطبائی»، پژوهش دینی، شماره یازدهم: ۲۱۳-۲۳۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، *تفسیر نمونه*، انتشارات دارالکتب السلامیه.
- موسوی، سید علی (۱۳۷۵)، «مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی»، *مجله نقد و نظر*، شماره ۷ و ۸، تابستان و پاییز: ۸۶-۱۱۱.
- وحید، فریدون و محسن نیازی (۱۳۸۳)، «تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۳: ۱۱۷-۱۴۶.
- یزدانی مقدم، احمدرضا (۱۳۸۷)، «بررسی مقایسه‌ای حکومت و مصلحت در اندیشه امام خمینی و علامه طباطبائی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱۴، پاییز: ۱۶۳-۱۶۸.
- یزدانی مقدم، احمدرضا (۱۳۸۸)، «مردم‌سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی»، *مجله حکومت اسلامی*، سال چهاردهم، شماره اول، بهار: ۱۳۲-۱۵۴.
- یغفوری و رفیعیان، حسین و سجاد (۱۳۹۴)، «بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد شهر فسا)»، *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال هفتم، شماره بیست و هفتم: ۸۱-۱۰۰.
- Brown, Rebecca, and Harris, Glenn (2005), "Co Management of Wildlife Corridors: The Case for Citizen Participation in the Algonquin to Adirondack Proposal", *Journal of Environmental Management*, No, 74, PP: 97-106.
- Chakarbarty, B.K, (2001), urban management (concepts, principles, techniques and education).

- Finger, A. Finger, M (2002), "Social factors enabling local people's participation in integrated management planning in the context of forested mountain territories", proceeding of the research course "the formulation of integrated management plans for mountain forests" Bardonecchia, Italy.
- Glass, James J. (1979). "Citizen Participation in planning; the Relationship between objectives and techniques", *APA Journal*, vol, 45, No.2: 180-189
- Howell S Baum, (2015), *Citizen Participation*, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition, Volume 3.
- Momeni and Shamskooski and Javadian, Mostafa and Hanieh and Marjan (2011), "Application of neighborhoods council associations in sustainable urban management based on citizen participation", 2011 International Conference on Green Buildings and Sustainable Cities, *Procedia Engineering 21*: 65-71.
- Morgan, T.M (2003), *Environmental Health*, Wadsworth, Canada.
- Schumacher, Ernst Friedrich (2009), *Small Is Beautiful. Translated by Ali Ramin*, Fifth Edition, Tehran: Soroush Press.
- Veronica G. Caparas & Agrawal, Maria and Anand (2016), "Why Citizens Participate in Local Governance: A Case of Two Philippine LGUs", *International Journal of Public Administration*: 952-962.

